

کهنه‌های همیشه نو

(ترانه‌های تخت حوضی)

ویراست دوم با چهل ترانهٔ افزوده

مرتضی احمدی



فهرست

پیشگفتار ۹

بخش یکم: ترانه‌های عروسی

۲۶	کاروان عروس	۱۷	عروس و داماد
۲۷	عروس	۱۸	عروس و داماد (۲)
۲۸	عروس قشنگه	۱۹	عروس و داماد (۳)
۲۹	عروس می‌آد	۲۰	شادوماد
۳۰	شب عروسی	۲۱	گل به سرعروس
۳۱	شب دامادی	۲۲	مبارک باد
۳۳	عروسیه	۲۴	نقل بارون

بخش دوم: ضربی‌های سرگرم‌کننده

۵۳	فال هفته	۳۷	کی می‌گه
۵۴	زنی دارم	۳۹	کی بهت یاد داده
۵۵	نمی‌خوام	۴۰	گفتم
۵۷	کی بود کی بود	۴۱	می‌دونم
۶۰	سن و سال	۴۱	صبر اومد
۶۲	می‌خوام رخت بشورم	۴۲	سنه نه، مئه نه
۶۴	ای دوست	۴۳	چی گفت
۶۵	خانوم شلخته	۴۵	ای به قربون زنم
۶۶	دختر دارم	۴۶	زن ذلیل
۶۶	مادر جون	۴۷	چی شده
۶۷	دو تا لیمو	۴۸	رقاصی
۶۸	مامانم اینا	۵۰	حمومک مورچه داره
۶۹	بزرگ نمیر بهار می‌آد	۵۲	نیچی

۹۹	مامان بورم.....	۷۱	زی پنبه.....
۱۰۰	میرزا قلمدون.....	۷۲	بچه صیاد.....
۱۰۲	آلیسر.....	۷۳	دست ننه مرد نکنه.....
۱۰۳	عمو سبزی فروش.....	۷۴	خرکم.....
۱۰۵	خاله جون رو رو رو.....	۷۵	بارون.....
۱۰۸	محصول شهر اصفهون.....	۷۶	مشک فروش.....
۱۱۰	هیچ کجا تهرون نمی شه.....	۷۷	کوچه باغی (در دستگاه سه گاه).....
۱۱۱	گلنگ از آسمون.....	۷۸	سیزده بدر.....
۱۱۲	می رم زن می گیرم.....	۷۹	دلگیر نمی شم.....
۱۱۵	چرا همچین می شه.....	۸۱	شوهر من.....
۱۱۷	می خوام نخواد.....	۸۳	توی تو پخونه.....
۱۲۱	دیگه عاشق نمی شم.....	۸۴	در بند.....
۱۲۲	توأم می دونی منم می دونم.....	۸۵	حشیشی.....
۱۲۴	آه می کشم.....	۸۶	افاده ای.....
۱۲۶	آی کم مکه.....	۸۷	می میرم و مُردم.....
۱۲۹	حاجی فیروز.....	۸۹	مامان شلخته.....
۱۳۰	گله از چرخ ستمگر.....	۹۱	دل بده.....
۱۳۲	لبو لبو.....	۹۳	سَر شب.....
۱۳۳	رَپته پتینا.....	۹۴	عذرا خانم.....
۱۳۵	شمس العماره.....	۹۵	آی پلو خورا.....
	صبح ها که از خواب پا	۹۶	بازار.....
۱۳۶	می شم.....	۹۶	چرا مخمل نمی پوشی.....
۱۳۸	شاطر علی ممّد.....	۹۷	سیاهی با سفیدی.....
		۹۸	سیاه مشکل گشاست.....

بخش سوم: ضربی های طنز اجتماعی

۱۵۷	گران فروش.....	۱۴۱	می خوام برم.....
۱۶۰	دلبر من.....	۱۴۳	غلط های زیادی.....
۱۶۲	سخنی با معشوق.....	۱۴۵	کی به کیه.....
۱۶۳	نیگاه به دست ننه کن.....	۱۴۷	من کیم، چیم.....
۱۶۴	بامبولی.....	۱۴۹	ای بنازم.....
۱۶۶	لوطی گری.....	۱۵۰	خودتی.....
۱۶۷	نمی شه که نمی شه.....	۱۵۱	آید برون.....
۱۶۸	روتو برم.....	۱۵۳	این چی چیه.....
۱۶۹	زی پنبه.....	۱۵۵	ای خوشا.....

بخش چهارم: ترانه‌های شادی بخش سنتی

۱۹۵	ماشین مشهدی ممدلی	۱۷۳	حمومی
۱۹۶	لنگر کشتی	۱۷۵	الستون و ولستون
۱۹۷	فرار محمد علیشاه	۱۷۷	گندم گل گندم
۱۹۸	هجو محمد علیشاه	۱۷۸	دندون دندونم کن
۱۹۹	آی صنم	۱۷۹	خریژم
۲۰۰	آی دل و قلوه	۱۸۰	یک کلاغی
۲۰۱	یک حمومی	۱۸۲	آتیش گرفته
۲۰۲	مینا ناز داره	۱۸۵	گندمو کی می خوره
۲۰۳	دختر شیرازی	۱۸۷	تو به باغ رفته بودی
۲۰۴	دم گاراژ	۱۹۰	آبجی صنم گفت
۲۰۵	بابا کرک	۱۹۳	هوو
۲۰۷	پیوست ۱: نت‌های تنظیمی برخی ترانه‌ها		
۲۳۱	پیوست ۲: توضیح برخی اصطلاحات مربوط به نمایش تخت حوضی		
۲۳۹	عکس‌ها		

پیشگفتار

دفتری که پیش رو دارید مجموعه‌ای است فراهم آمده از اشعارِ ترانه‌هایی که در نمایش‌های شادی آور موسوم به «تخت حوضی» (یا «روحوضی») اجرا می‌شده است.

تا اواخر دوران قاجار نمایش‌های شادی آور خاص خانواده‌های متمکن و به اصطلاح اشرافی بود که برای تعیّش و سرگرمی خویش بازیگران یا تقلیدچی‌ها را به خانه می‌خواندند و در گوشه‌ای از تالار بزرگِ خانه‌شان «صحنه نمایشی» ترتیب می‌دادند. عوم‌الناس نیز گاه به گاه در قهوه‌خانه‌ها به تماشای نمایش‌های شادی آور می‌نشستند. در اواخر دوران قاجار کارِ نمایش در خانه‌ها به تدریج گسترش یافت و مردم عادی نیز برای جشن‌های خود - از قبیل جشن عروسی، ختنه‌سوران و... - گروه‌های نمایشی را به خانه دعوت می‌کردند. صحنه نمایش در این خانه‌ها حوض وسط حیاط بود که روی آن را با تکه‌های بزرگ تخته می‌پوشاندند و روی تخته‌ها قالی یا گلیم می‌انداختند. بازیگران نیز به ترتیب اجرای نقش روی این حوض تخته‌پوش می‌رفتند. نام «تخت حوضی» یا «روحوضی» نیز به همین سبب به این گونه نمایش‌ها اطلاق شد.

گروه‌بندی دسته‌های روحوضی از زمان ناصرالدین شاه شروع شد و یکی دو دسته در آن زمان پدید آمد که سرپرست آن‌ها را «سردسته» می‌نامیدند. در سال‌های بعد دسته‌های مکمل دیگری تشکیل شد که سردسته‌های نام‌آوری را پرورش دادند. سردسته‌ها خود از زبده‌ترین بازیگران عصر بودند و به شهرت زیادی دست یافتند. معروف‌ترین سردسته‌ها این‌ها بودند:

حسین آقای کل قاسم (نوازنده کمانچه و نقاره)

آقاجان ساوهای (جوان‌پوش)

عروس و داماد

هر چشم حسود دور از آن است امشب	این خانه همش نورفشان است امشب
تبریک نثار دو جوان است امشب	در عرش برین فرشتگان می‌گویند
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد	در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد
مجلس حُسن بیارای که داماد آمد	ای عروس هنر از بخت شکایت منما
به مهر و ماه و زمین و زمان مبارک باد	نشاط و جشن و بساط عروسی دو جوان
که این بساط به پیر و جوان مبارک باد	ملک در اوج برین با نشاط می‌گوید
چو باده باده شیرین که اشک فرهاد است	شب زفاف بود ساقیا بده باده
نصیب دشمن تو تیغ تیز جلاد است	شب عروسی‌ات ای نوجوان مبارک باد